

متن تبیینی

(clarification note)

در خصوص گزارش های ارائه شده توسط هیات حقیقت یاب مستقل بین المللی ایران به نشست ۵۸ شورای حقوق بشر

An engineered arrangement of claims for a pre-ordered conclusions and recommendations

مقدمه

این مطلب در خصوص دو گزارشی (A/HRC/58/63 و A/HRC/58/CRP.1) است که هیات حقیقت یاب مستقل بین المللی ایران به نشست ۵۸ شورای حقوق بشر داده است. این دو گزارش به صورت کامل مورد مطالعه قرار گرفته است. شما با مطالعه متن حاضر، متوجه خواهید شد که تنها چیزی که برای هیات و کشورهای بانی قطعنامه ایجاد کننده این هیات اهمیت ندارد، نگاه عادلانه و منصفانه به موضوع حقوق بشر است.

متأسفانه باید گفت این دو گزارش هیات حقیقت یاب مستقل بین المللی ایران نشان می دهد که به واسطه اقدامات، نیت و فشارهای تعداد معدودی از کشورهای غربی که سابقه دیرینه ای در نقض حقوق بشر دیگر ملت ها، از جمله ایران بخاطر سیاست های استعماری و اشغالگری و در پیش گرفتن استانداردهای گزینشی و دوگانه دارند، «حقوق بشر» تا چه میزان در معرض خطر جدی سیاسی کاری و اهداف غیرحقوق بشری قرار دارد.

متن

هیات حقیقت یاب مستقل بین المللی ایران که مدعی است در طول دو سال مستندات و شواهد کافی برای وارد کردن اتهامات و انتساب برخی عناوین مجرمانه به جمهوری اسلامی ایران گردآوری و مستندسازی کرده است، در طول این دو سال به دلایل زیر نتوانسته است استقلال، بیطرفی و حرفه ای گری خود را حفظ کند و به صورت کاملاً آسیب زننده ای به اعتبار نهاد «شورای حقوق بشر» عمل کرده است و شما، بویژه اگر نماینده یک کشور عضو شورای حقوق بشر هستید، باید به این موضوعات با حساسیت و دقت بیشتری توجه کنید:

۱) در تمامی گزارش هایی که توسط این هیات ارائه شده، بویژه دو گزارشی که به نشست ۵۸ شورای حقوق بشر داده شده، شاهد «مهندسی» اتهامات و ادعاها علیه جمهوری اسلامی ایران هستیم تا در نهایت، یک «نتیجه گیری» از قبل تعیین شده و دیکته شده به خواننده

ارائه گردد. نویسندگان گزارش های این هیات، گویی در حال تولید ماشینی با یک نقشه و طرح قبلی هستند. تمامی حوادث مرتبط و غیرمرتبط را بدون بررسی ماهیت واقعی آنها و بدون توجه به ریشه و سابقه آنها و بدون توجه به هر اطلاعات نقض کننده ای که به آنها داده شده، در کنار یکدیگر چیده تا در نهایت، نتیجه گیری مورد دلخواه و از قبل طراحی شده را برای انتساب برخی عناوین ادعایی به جمهوری اسلامی ایران، به دست آورند.

(۲) در تمامی گزارش های خود، ذره ای به قربانیان اقدامات تروریستی و خشونت ها در جریان ناآرامی های ۲۰۲۲ توجهی نکرده و به صورت تمام قد در مقام وکیل مدافع خشونت طلبان و آشوبگران درآمده و هرگز نخواسته اند این سؤال را از خود بپرسند و یا به خوانندگان گزارش های خود ارائه کنند که اساسا قربانیان حملات تروریستی در برخی از شهرهای مناطق غربی ایران، و در شهر ایزده، یا در شهرهای مناطق شمالی ایران، و یا در اصفهان و ... چه کسانی بوده اند؟ آیا آنها هم شایسته برخورداری از حقوق بشر بوده اند یا نه؟ آیا «حق حیات» در مورد آنها هم صادق بوده است؟ تمام هم و غم هیات حقیقت یاب، حقوق بشر فرد یا افرادی بوده که سلاح گرم به روی مردم و جمعیت عادی گشوده و آنها را به خاک و خون کشیده اند؟ آنها فقط نگران این بوده اند که آیا این قاتلین از حق وکیل برخوردار بودند (که همگی برخوردار بوده اند)، ولی هرگز لحظه ای نخواسته اند سراغی از مقتولین این عملیات ها و خانواده ها و بازمانده های آنها بگیرند؟ آیا هیات حقیقت یاب حتی یک بار خواهان truth, justice, accountability برای قربانیان اقدامات و رفتارهای خشونت آمیز، نفرت پراکنانه و تروریستی و البته not recurrence اینگونه اقدامات خشونت آمیز و تروریستی شده است؟ آیا هیات حقیقت یاب هرگز به دنبال پیگیری این عناصر سه گانه مهم در ارتباط با ۷۹ مامور مجری قانون که توسط اغتشاشگران و گروه های تروریستی و در نتیجه اقدامات خشونت آمیز مسلحانه و یا گروهی به حق حیات آنها نقض شده و جان خود را از دست داده اند، بوده است؟

(۳) هیات حقیقت یاب چه طور می تواند مدعی بیطرفی و استقلال و حرفه ای گری شود، ولی حتی یک بار نخواسته است در مورد دخالت نیروها و مقامات و گروه های خارجی در آشوب ها و تحریکاتی که این مقامات به خشونت و آشوب شرکت کنندگان در ناآرامی ها در طول شش ماه، داشته اند، بررسی کنند و اشاره به آنها داشته باشند؟ آیا هیات حقیقت یاب یک بار از خود سؤال کرده است که چطور اعتراضات مسالمت آمیز در اعتراض به فوت اتفاقی و ناراحت کننده بانویی در ایران، تبدیل به یکی از خشونت بار ترین تحولات داخلی ایران در چند دهه اخیر می شود؟ آیا خواسته است اظهارنظرهای مقامات اروپایی را در تحریک احساسات عمومی در داخل ایران بررسی کنند؟ آیا یک بار از کشورهای میزبان رسانه های فارسی زبان ضدایرانی که مروج خشونت و آشوب بوده اند و شیوه های درست کردن وسایل

آتش را آموزش می دادند، سؤال کرده اند که در قبال این رسانه های مروج نفرت و خشونت چه اقدامی کرده اند؟

(۴) هیات حقیقت یاب در مطالبی عجیب و البته بسیار خطرناک، حتی برنامه ها و سیاستگذاری های آموزشی و ترویجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع «حجاب» را که بخشی از هویت فرهنگی، دینی و تاریخی ایرانیان است، به عنوان بخشی از موارد نقض حقوق بشر توسط مقامات ایران معرفی می کند! اگر رسانه های جمهوری اسلامی ایران برنامه های آموزش همجنسگرایی را ترویج می کردند آیا باز اعضای هیات حقیقت یاب به آن خرده می گرفتند؟ یا اگر برنامه های آموزشی مطابق با فرهنگ و سبک زندگی کشورهای غربی را ترویج می کردند باز آنها را مخالف آزادی زنان و دختران معرفی می کرد که دولت قصد دخالت در موضوعات و زندگی خصوصی آنان را دارد؟

(۵) تقریباً در تمام گزارش های تهیه شده توسط هیات حقیقت یاب می توان این جهت گیری را دید که وقوع یک رویداد غیرواقعی و ساختگی را ملاک قضاوت در مورد کل سیستم اجرایی، قانونگذاری و قضایی ایران قرار داده و آن را به گونه ای تعمیم داده است که بتواند از وقوع یک یا دو مورد حادثه تایید نشده، توصیفاتی مانند «سیستماتیک» را بر نظام سیاسی ایران بار کند. تقریباً در سراسر گزارش های این هیات با عبارت «in one case» روبرو می شوید، ولی هیات حقیقت یاب همان یک مورد تایید نشده را به گونه ای بسط می دهد و می پروراند که بتواند در نهایت آن را به تمام سیستم ایران تعمیم دهد و اتهامات و ادعاهای خود علیه جمهوری اسلامی ایران را به اصطلاح اثبات کند. کجای این روش، علمی و بیطرفانه و حرفه ای است؟

(۶) هیات حقیقت یاب در گزارش های خود مدعی انجام «مصاحبه» با قربانیان شده است و در پینوشت های گزارش های خود بسیار به اینگونه منابع اشاره می کند. بررسی اینگونه پینوشت ها نشان می دهد که هیات حقیقت یاب از «یک مصاحبه» که با «فردی» که به عنوان قربانی معرفی شده است، «موضوعات مختلف» را استخراج و هر یک از این موضوعات را در طول گزارش های خود و ذیل عناوین مختلف استفاده کرده است تا در واقع بتواند نوعی تعدد و زیاد بودن موارد «مصاحبه/قربانیان» را به خواننده القاء کند، در حالی که در واقع منبع بسیاری از این ادعاها ممکن است صرفاً یک نفر باشد و نه چند نفر؛ در واقع می توان این برداشت را داشت که «فراوانی» قربانیان و افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته اند برخلاف آنچه از روش هیات حقیقت یاب به مخاطب نشان داده می شود، بسیار معدودتر از چیزی است که هیات تلاش کرده است آن را به نمایش بگذارد. ضمن اینکه اصولاً صحت و اعتبار همین افراد مصاحبه شونده نیز واقعاً مشخص نمی باشد.

۷) هیات حقیقت یاب به «تنوع فرهنگی» جامعه ایران ندارد و در بررسی ها و گزارش های خود به صورت کامل به «مباحث اجتماعی» و «پویایی های سیاسی» درون جامعه ایران بی توجهی می کند، گو اینکه تمام جامعه ایران باید به صورت یک شکل و تمام و کمال به آنچه هیات حقیقت یاب دنبال می کند، تبعیت کند. در واقع هیات حقیقت یاب چند هزار سال بافت تدریجی و ریشه دار عمیق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ارزشی و دینی جامعه ایران را به صورتی عامدانه به نفع مطالبات سیاسی خود نادیده می گیرد و به صورت غیرمستقیم از همه جامعه ایران می خواهد که دیدگاه ها و نظرات خود را نادیده بگیرند و به خواست هیات حقیقت یاب تن بدهند و از تمام باورها و ارزش های خود دست بکشند.

۸) مروری بر برخی از منابع مورد استفاده در گزارش های هیات حقیقت یاب نشان می دهد که این منابع همان سازمان های به اصطلاح غیردولتی هستند که با کمک های مالی آمریکا اداره می شده اند و اخیراً براساس اعلام دولت جدید آمریکا، این کمک ها به صورت موقت تعلیق شده و همین موضوع اعتراض و نگرانی آنها را به دنبال داشته است. آیا چنین سازمان های به اصطلاح مردم نهادی که از منابع مالی یک دولت متخاصم با ایران ارتزاق می کرده اند، می توانند منابع معتبر و قابل اعتمادی برای تهیه گزارش های هیات حقیقت یاب باشند؟

۹) هیات حقیقت یاب تمام موارد مورد مطالعه خود را «قربانی» معرفی می کند و هرگز اراده ای برای اینکه به این نکته توجه کند که بسیاری از این افرادی که به عنوان قربانی معرفی می کنند نه تنها براساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، بلکه براساس بسیاری از هنجارهای پذیرفته شده بین المللی مانند پرهیز از خشونت، نفرت پراکنی و اقدامات تروریستی، دست به اعمال مجرمانه و متخلفانه زده اند! هیات حقیقت یاب آنها را به عنوان افراد بی گناهی معرفی می کند که انگار یک اختیار و مجوز کامل برای ارتکاب به هر اقدامی داشته اند و نباید هرگز مورد مواخذه قرار می گرفته اند!

۱۰) هیات حقیقت یاب در بررسی های موردی خود صرفاً به احکام صادره و مجازات نهایی اجرا شده برای مجرمان اشاره می کند و هرگز به اقدامات آنها که منجر به محاکمه آنها شده و یا به فرآیندهای قضایی که برای هر یک از متهمان در دادگاه های صالحه ایران طی شده است اشاره نمی کند و هر گاه هم به صورت خیلی معدود به مواردی از آنها اشاره می کند، سعی می کند تمام آنچه را که از طرف جمهوری اسلامی ایران بویژه نظام قضایی ایران صورت گرفته، به صورت پیش قضاوت و ذهنیتی از پیش شکل گرفته، زیر سؤال برده و سعی می کند با جمله و عبارتی معترضه مثل ادعای «ناعادلانه بودن رسیدگی قضایی» و یا ادعاهای اثبات نشده دیگر، بی اعتبار بودن آن را به خواننده القاء کند.

۱۱) هیات حقیقت یاب در بخش هایی از گزارش های خود بویژه دو گزارش ارائه شده به نشست ۵۸ شورای حقوق بشر به گزارش ها و اطلاعات ارائه شده از سوی «کمیته ویژه

بررسی ناآرامی های ۱۴۰۱ - منصوب رئیس جمهوری اسلامی ایران» و «ستاد حقوق بشر» جمهوری اسلامی ایران اشاره می کند ولی به نظر می رسد از بیم اینکه خواننده و مخاطب این گزارش ها و اطلاعات تحت تاثیر قرار بگیرد، بر خود واجب دانسته است که حتما با جمله ای «معترضه»، اعتبار اطلاعات و گزارش های معتبر و مستند ارائه شده از سوی نهادهای ایرانی را خدشه دار کند و تلاش می کند اطمینان حاصل کند که وارد کردن های ارائه شده از سوی ایران، تاثیری بر نتیجه و هدفی که هیات دارد (که در واقع محکوم کردن ایران براساس ادعاها و اتهامات از پیش مهندسی شده) نخواهد گذاشت.

(۱۲) هیات حقیقت یاب بارها در گزارش های خود از منابعی به نام «منابع باز» «open sources» استفاده کرده است. آیا استناد به چنین منابعی می تواند آنقدر اعتبار داشته باشد که دولت مستقری را براساس آن متهم به ارتکاب عناوین مجرمانه در حقوق بین الملل کیفری کرد؟

(۱۳) هیات حقیقت یاب همچنین در گزارشدهی های خود رویکردی نشان داده که به صورت خیلی عجیبی تلاش می کند در گزارش های اخیر خود اقدامات و وعده های دولت فعلی در ایران را به زیر سؤال ببرد! گویی هیات حقیقت یاب بیم آن دارد که این وعده ها باور به ادعاها و اتهامات هیات حقیقت یاب را تضعیف کند و از اعتبار ساقط کند. و جالب است برای اثبات این ادعای خود به مواردی اشاره می کند که هیچ ارتباطی به دوران استقرار رسمی و قانونی دولت جدید در ایران از اواسط سپتامبر سال ۲۰۲۴ ندارد.

(۱۴) هیات حقیقت یاب همچنین در بخش هایی از گزارش های خود در خصوص اجرای مجازات اعدام، به استناد برخی آمارهای ادعایی در خصوص تعداد اعدام ها در ایران در سال ۲۰۲۴، این افزایش را به اعتراضات سال ۲۰۲۲ ربط می دهد! اثبات بی اعتباری چنین ادعایی و چنین القایی کار دشواری نیست. جمهوری اسلامی ایران گزارش های مستندی در خصوص مجازات های سالب حیات مرتبط با اغتشاشات سال ۲۰۲۲ را به سازوکارهای حقوق بشری ارائه کرده و در این زمینه به صورت کاملا شفاف عمل کرده است و سایر موارد اجرای مجازات اعدام در ایران در سال ۲۰۲۴ اساسا ارتباطی به اغتشاشات سال ۲۰۲۲ نداشته است و عمدتا در دو حوزه «قصاص» و «مواد مخدر» در سالهای ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ بوده است و اتهام ارتباط این افزایش ادعایی در تعداد اعدام ها به اغتشاشات سال ۲۰۲۲، بی اعتبار و صرفا ارزیابی براساس حدس و گمان هیات حقیقت یاب است که پایه و اساس درستی ندارد.

(۱۵) هیات حقیقت یاب تمام تلاش خود را بر حمایت و حفاظت از حقوق متهمان و مجرمانی قرار داده است که براساس موازین و هنجارهای بین المللی، مروج خشونت و نفرت پراکنی و اقدامات تروریستی بوده اند و در هر نظام قضایی در جهان، می بایست در برابر قانون پاسخگو می بودند.

(۱۶) هیات حقیقت یاب در برخی از بخش های گزارش خود به گزارش های ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی ایران بویژه صدور احکام برای برخی مجریان قانون که در جریان اغتشاشات سال ۲۰۲۲ مرتکب اعمال خلاف قانون شده اند و پرداخت خسارت به آسیب دیدگان، و یا به مواردی از تخفیف و بخشودگی ها و یا تغییر احکام قضایی صادر شده برای اغتشاشگران اشاره می کند، ولی اینگونه اطلاعات و گزارش ها که نشان دهنده مسئولیت پذیری، اجرای عدالت و جبران خسارت از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران است هیچ تاثیری در «نتیجه گیری از قبل مهندسی شده» هیات حقیقت یاب ندارد و همچنان و با وجود این اقدامات، هرگز از این نتیجه گیری از قبل تعیین شده، عقب نشینی نمی کند! به نظر می رسد هیات حقیقت یاب اجازه ای برای اعتبار بخشیدن و مثرثمر قرار دادن این گزارش ها و داده های ارائه شده از سوی ایران ندارد؛ ضمن تاکید بر اینکه آنچه هیات حقیقت یاب از اقدامات ایران در راستای اجرای «عدالت، پاسخگویی و جبران خسارت» در گزارش های خود منعکس کرده تنها بخش بسیار محدودی از اقداماتی است که ایران انجام داده و هیات حقیقت یاب صرفا به بیان بسیار محدود آن اکتفاء کرده است، جای تعجب دارد که چطور هیات حقیقت یاب با وجود این اقدامات همچنان بر موضع خود مبنی بر انتساب برخی عناوین مجرمانه علیه جمهوری اسلامی ایران اصرار دارد، آیا غیر از این است که هیات حقیقت یاب اساسا قرار نیست چیزی به غیر از همان نتیجه گیری از قبل تعیین شده، ارائه کند؟

(۱۷) علاوه بر آنچه که در بند ۱۸ گفته شد، هیات حقیقت همچنین در راستای تلاش ها و رویکرد خود برای جلوگیری از تاثیرپذیری مخاطبان از گزارش ها و اطلاعات داده شده از سوی جمهوری اسلامی ایران، این اطلاعات و روایت ها را بدون اینکه راستی آزمایی کند «مخدوش» و «نادرست» معرفی می کند تا مطمئن شود که گزارش های ایران تاثیری بر ذهنیت مخاطبان که با اتهامات و ادعاهای هیات حقیقت یاب شکل گرفته است، نداشته باشد.

(۱۸) هیات حقیقت یاب در بخش های متعددی از گزارش های اخیر خود وقتی در ارتباط با یک موضوع مشخص مرتبط با ناآرامی های سال ۲۰۲۲ به بعد اطلاعات و داده هایی در اختیار ندارد که بتواند ادعا و اتهام منتسب به ایران را تقویت کند، به آمارها و اقدامات سالهای قبل از ۲۰۲۲ و در مواردی حتی به یک دهه گذشته رجوع کرده، از دامنه زمانی خود خارج شده و به آمارهای بسیار قدیمی در ایران متوصل می شود تا بتواند به اصطلاح به اتهاماتی که به ایران منتسب می کند، به زعم خود اعتبار ببخشد.